

گزارشی از دهمین کنفرانس بنیاد پژوهشهای زنان ایران

در مونترآل ژوئیه ۹۹

آذر درخشان

دهمین کنفرانس سالانه بنیاد پژوهشهای زنان ایران در شهر مونترآل، کانادا تحت عنوان «زن ایرانی در آستانه سال ۲۰۰۰» از تاریخ ۲ ژوئیه تا ۵ ژوئیه ۱۹۹۹ برگزار شد. در کنفرانس امسال، گرایشهای سیاسی مختلف درون جنبش زنان مطرح شد و این امر به خلاقیت و پویایی مباحث کنفرانس کمک کرد.

در این گزارش تلاش شده جهت گیری های سیاسی، دورنما و برنامه و راه‌های متفاوتی که از جانب سخنرانان در رابطه با مسئله زنان جلو گذارده شد، منعکس شود. تذکر این نکته ضروری است که این گزارش بروی نکات اصلی هر سخنرانی تمرکز می‌دهد و بررسی تمامی مسائل مطرح شده در هر سخنرانی، در این مجال نمی‌گنجد.

جمعه ۲ ژوئن

صبح روز جمعه، نمایشگاه آثار گروهی از هنرمندان زن نقاش و عکاس برگزار شد. بعد از ظهر، پس از خوشامد گوئی به میهمانان، اولین سخنرانی توسط فرانسوا داوید در مورد «راهپیمائی سال ۲۰۰۰» ایراد شد. او هدف از این راهپیمائی را، جهانی شدن همبستگی زنان اعلام نمود. او گفت، در شرایطی که نابرابری در سراسر جهان بیشتر شده و فاصله فقیر و غنی بسیار زیاد شده است، این زنان هستند که قربانیان اصلی این فقر جهانی می‌باشند. او تاکید کرد که این راهپیمائی علیه فقر و خشونت می‌باشد و قرار است در سپتامبر سال ۲۰۰۰ در بسیاری از کشورهای جهان برگزار شود.

میزگرد کردستان

برگزاری «میزگرد کردستان» برنامه بعدی این روز بود. در این میزگرد دو سخنرانی ارائه شد. سخنرانی اول، مشترکا توسط منیره مفتی زاده و ناهید بهمنی تحت عنوان «زن کرد در سال ۲۰۰۰» ایراد شد.

محور این سخنرانی، بررسی موقعیت زنان کرد در مناطق مختلف کردستان بود. سخنرانان به بررسی تاریخی موقعیت زنان کرد و مناسبات حاکم بر کردستان پرداختند و جنبه های گوناگون بی حقوقی و ستمدیدگی زن کرد را نشان دادند.

یکی از مباحث قابل تعمق سخنرانان طرح این مساله بود که آیا جنبش های ملی در رابطه با مبارزه زنان علیه مرد سالاری و پدر سالاری، نقش مثبت ایفا کرده و یا نقش منفی. آنان در این رابطه برخی تجارب مشخص را مورد بررسی و نقد قرار دادند.

سخنرانان به بررسی مبارزات زنان کردستان ایران طی انقلاب ۵۷ و نقش تشکلات زنان در شهرهای مختلف کردستان و وظایف این تشکلات پرداختند و اینکه چگونه این تشکلات نقش مهمی در پیوند بین زنان شهری و روستایی ایفاء کردند. آنان بروی تجارب و نقش پیشروی زنان کرد در عرصه هائی معین از مبارزه، تاکید کردند. بطور مشخص آنان از تاثیرات شرکت زنان در مبارزه مسلحانه، و ضربه زدن به سنتهای عقب مانده سخن راندند. آنها گفتند: «حضور زن مسلح انقلابی در انظار عام بهنگام گشتهای سیاسی و هم چنین در عملیات نظامی، به زنان شهر و روستا غرور می‌بخشید و آرزوهای خفته را در آنها بیدار می‌کرد».

سخنرانی آنها با این نکته پایان یافت که زنان کرد در آستانه سال ۲۰۰۰ هنوز در زنجیر سه گانه ستم ملی، جنسی و طبقاتی اسیرند. آنان تاکید کردند که کسب رهائی کامل زنان تنها با رسیدن به برابری حقوقی با مردان خاتمه نمی‌پذیرد و اینکه زمینه اصلی این برابری وجود جامعه ای فارغ از تقسیم کار کهنه، جامعه ای سوسیالیستی است. آگاهی سوسیالیستی در جنبش ضرورتی است که سبب میشود این جنبش و چشم اندازش فقط به رفم ها محدود نشود.

یکی دیگر از سخنرانان این میزگرد، صدیقه محمدی بود. او به موضوع «زن کرد مهاجر و تضاد دو فرهنگ» پرداخت و ضمن اشاراتی تاریخی به موقعیت زنان کرد، به بررسی مناسبات عقب مانده ای که زنان کرد از آن در رنجند پرداخت. او عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بی حقوقی زنان کرد را مورد بررسی قرار داد و تاکید کرد که مساله آوارگی همیشه بخشی از زندگی کردها بوده است. او در ادامه مشکلات زن کرد در مهاجرت و بویژه در اروپا، و تاثیرات موقعیت جدید بر مناسبات میان زن و مرد در خانواده ها را مورد بررسی قرار داد و برخی اشکال شنیع ستمهایی چون قتل های ناموسی و ازدواجهای اجباری (مانند پس فرستادن دختر به منطقه کردستان) را برشمرد. او با توجه به تجارب شخصی خود از ستمهایی که بر زنان فعال سیاسی در تشکلات مبارز کرد اعمال می‌شد، صحبت کرد و گفت چگونه عملا زنان فعال سیاسی به خاطر جنسیت خود مجبور بودند کارهای مربوط به امور خانه را انجام دهند تا مردها به مبارزه ادامه دهند. او تاکید کرد که نمی‌توان حل مسئله زنان را به حل مسئله ملی موکول کرد. وی در خاتمه، راه هائی را برای مقابله با ستم جنسی پیشنهاد کرد و همگان را دعوت کرد تا برای یافتن راههای جدی مبارزه علیه ستم جنسی، تلاش کنند.

(متن کامل ایندو سخنرانی در همین شماره پیکار زن درج شده است.)

سخنران دیگر این میز گرد سوسن سلیم از کردستان عراق بود که موفق به کسب ویزا و شرکت در این کنفرانس نشد. او پیام کوتاهی به کنفرانس داد و ستم ها و جنایاتی که امروزه در حق زنان کردستان عراق اعمال می‌شود، را افشاء کرد.

مراسم «بانوی برگزیده سال»

پس از تنفسی کوتاه مراسم «بانوی برگزیده» آغاز شد. در کنفرانس امسال، برخلاف سالهای گذشته، در بروشور برنامه ها، «بانوی برگزیده» معرفی نشده بود. از آنجائی که این بخش برنامه دارای اهمیت زیادی بود، همه کنجکاو بودند بدانند «بانوی برگزیده» امسال چه کسی است. این مساله از زاویه ارزشها و معیارهایی که کنفرانس بر می گزیند و دیگران را نیز به گزینش آن دعوت می کند، اهمیت داشت. به یک معنا، اینکه «بانوی برگزیده» زنان چه کسی یا کسانی باشند از شاخص های مهم یک جنبش زنان مترقی می باشد. به همین خاطر همه با کنجکاوئی سعی می کردند تا از زیر زبان کمیته محلی بیرون بکشند که بالاخره چه انتخابی صورت گرفته است.

باری، همه با کنجکاوئی و هیجان وارد سالن شدیم. چراغها خاموش شد و پرده سینما آغاز به نمایش تصاویر کرد. همراه با موسیقی ای بسیار زیبا، ناگهان تصاویری روی پرده ظاهر شد. در زمینه اسامی روی پرده، تصاویر زنان جانباخته بنمایش گذاشته شد. اسامی و تصاویر هزاران زنی که بدست دژخیمان اسلامی بقتل رسیده بودند. همه چیز یادآور جسارت و از خودگذشتگی زنانی بود که در مبارزه علیه جمهوری اسلامی جان باختند. اسامی خوانده میشد سپس تاریخ تولد و تاریخ جان باختن شان اعلام می شد و آنها در ذهن و خاطره همگی حضار دوباره جان می گرفتند. اکثرا یاد عزیزی را زنده کردند، غرق در اشک، غرق در سوگ این عزیزان، با نغمه بیکران از مرتجعین جنایتکار اسلامی و سرشار از غرور و افتخار نسبت به زنانی که در شورش علیه ارتجاع از مرگ نهراسیدند. پس از این نمایش و روشن شدن چراغها، شعری توسط خانم مشعوف به همه زنان مبارز تقدیم شد و شاخه های گل در میان جمعیت شرکت کننده پخش شد؛ بعنوان نشانی از اینکه همه زنانی که برای رهایی زنان و جهانی بهتر مبارزه می کنند، همه، زن و نه «بانوی» برگزیده اند.

جای آن دارد که بار دیگر به تمامی کسانی که محرک یا مبتکر چنین ایده ای بودند و بویژه به کمیته برگزار کننده زنان مونترآل درود بفرستیم.

برنامه روز اول کنفرانس، با تئاتری توسط شهره آغداشلو به پایان رسید.

شنبه ۳ ژوئیه

پیام گلناز امین

برنامه با پیام بنیاد توسط گلناز امین، مستول بنیاد، آغاز شد. وی در این پیام ضمن اشاره به دهساله شدن بنیاد گفت: «زنان ایرانی ۲۰ سال پیش در خیابانهای تهران فریاد زدند: آزادی نه شرقی است نه غربی است، جهانی است. این یعنی تسلیم نشدن به زور و ظلم» او در ادامه پیامش گفت: «صد افسوس که بسیاری از فعالین و رهبران بالقوه این جنبش که در تظاهرات زمستان ۱۹۷۹ شرکت داشتند در سیاهچال ها و زیر شکنجه جان باختند.» او گفت: «جنبش زنان ایرانی خواه و ناخواه تأثیرات خود را بر سرنوشت خواهران ما در افغانستان، الجزایر، عربستان سعودی، پاکستان، بنگلادش، ترکیه و بر زندگی غم انگیز بسیاری از زنان مهاجر در اروپا و آمریکا و سراسر جهان خواهد گذاشت.»

پیام نوشین احمدی خراسانی

اولین سخنران این روز نوشین احمدی خراسانی از ایران بود که بعلت عدم حضورش در کنفرانس پیام او قرائت شد. پیام نوشین حامل چند نکته بود: او از مبارزات و تلاشهای زنان خارج کشور و حمایت از جنبش زنان در ایران و تأثیرات این مبارزات بر موقعیت زنان در ایران قهرمانی کرد و پیوند مبارزات زنان داخل و خارج را پراهمیت ارزیابی کرد. وی سپس با گفتن اینکه در جامعه ای زندگی می کند که: «رئیس جمهورش آرزوی یکصد سال گذشته مردم در انقلاب مشروطه را تحقق بخشد» به توصیف دستاوردهای دوم خرداد پرداخت و اینکه جامعه مدنی به سخن مسلط تبدیل شده است. او این رخداد را (دوم خرداد - انتخاب خاتمی) را جوانه های ایجاد فضائی بازتر و انسانی تر تعریف کرد و این شرایط را بستر مناسبی برای ایجاد تشکل های مستقل زنان طرح کرد و زنان را ترغیب به مبارزه برای ایجاد جامعه مدنی نمود. در ادامه، وی پس از یک مقدمه طولانی در مورد «هراس از خشونت» و عدم شرکتش در کنفرانس بعلت اینکه ممکن است برنامه های درازمدت او را بخطر بیاندازد، بحث خشونت را به خشونت ساختاری در جامعه ایران و وجود خشونت در گفتار و رفتار «خودمان» کشاند.

آنچه نوشین تحت عنوان بیزاری از خشونت مطرح کرد، بحثی یکجانبه بود. مخالفت با خشونت زمانی جدی و صادقانه است که انسان حق دفاع برای کسانی که مورد خشونت قرار می گیرند را برسمیت بشناسد. مضافاً، و مهمتر، مساله اینست که در این میان بحث بر سر کدام خشونت است. نظام حاکم بطور مستمر و به هزار شکل آشکار و نهان در حال اعمال خشونت علیه مردم محروم است. و چطور می توان در مقابل آن خشونت به خرج نداد؟ اما کسانی در برخورد به هر دو نوع این خشونت، یکسان برخورد می کنند. برخی نسبت به خشونت که از جانب حاکمان و برای دوام حاکمیت سرشار از استبداد و ستم و استثمار علیه مردم اعمال می شود همان قضاوت را می کنند که در مورد دفاع از خود محرومان و محکومان در مقابل جنایات رژیم ارتجاعی. مساله اینست که اعمال خشونت مرتجعین علیه مردم ناعادلانه است و دفاع و اعمال خشونت مردم در پاسخ به مرتجعین عادلانه.

نوشین در پیام خود بروی موانع تشکل مستقل زنان صحبت کرد و غلبه دیدگاه محفلی و بسته را یک مانع مهم ارزیابی کرد. اینکه با دیدگاه محفلی و بسته نمی توان تشکل مستقل زنان درست کرد، صحیح است. اما مهمتر از آن باید متوجه بود که مانع و عامل اصلی عدم شکل گیری تشکل های توده ای زنان، خود این رژیم و جو سرکوب است و نه نگرش بسته محفلی در میان فعالین زنان. بعلاوه حیات آن «تشکل مستقل زنان» که از نظر نوشین باید به شکل علنی فعالیت کند و در خدمت جامعه مدنی قرار گیرد، در هر لحظه به شل

کن و سفت کن‌های رژیم وابسته است. اگر زنان در راه ایجاد تشکلات مستقل خود چشم به «مراحم» بالائی‌ها بدوزند، بهیچوجه به تشکیلاتی که به امر رهائی زنان خدمت کند دست نخواهند یافت. بالعکس، فعالیت سازمان‌یافته آنان در نهایت گرفتار بازی‌ها و ترفندهای ارتجاع حاکم خواهد شد.

نوشین پیام خود را در شرایطی می‌دهد که جنبش دانشجویی درست ده روز بعد از آن بوقوع پیوست و طی چند روز توسط اتحاد خاتمی - خامنه‌ای سرکوب شد. خاتمی مجبور شد وفاداریش را به نظم و قانون ارتجاع اسلامی به اثبات رساند. برای این توهم زدائی در مورد «دستاوردهای دوم خرداد» بهای گرانمایی پرداخته شد: دستگیری‌های گسترده و ده‌ها کشته از میان جوانان این کشور.

سخنرانی آذر درخشان

سخنران بعدی آذر درخشان بود که سخنرانی خود را تحت عنوان «کاراکتر ستم بر زنان در ایران در آستانه سال ۲۰۰۰» ایراد نمود. آذر اشاره کرد که تاکنون عموماً ستم بر زنان در حیطه روبنای جامعه یعنی قوانین، ایدئولوژی، فرهنگ و غیره مورد بررسی قرار گرفته و کمتر به زیربنای یعنی موقعیت زنان در عرصه تولید اجتماعی پرداخته شده است. وی به بررسی چگونگی شرکت زنان در تولید پرداخت و نشان داد که چگونه موقعیت زنان در روبنای جامعه انعکاس جایگاه آنان در مناسبات تولیدی است؛ و چگونه روبنا نقشی فعال در حفاظت از این موقعیت داشته و دارد. آذر بطور مشخص به بررسی موقعیت زنان روستایی و شهری پرداخت و نشان داد زنان ایران اسیر مناسبات فتودالی هستند که با اشکال بورژوازی ستم و استثمار در هم آمیخته شده است. او گفت که محرومیت زنان روستائی از مالکیت بر زمین نقشی تعیین کننده در موقعیت ستم‌دیدی‌شان دارد؛ و در ادامه به بررسی تأثیرات موقعیت ستم‌دیدی زن روستائی بر کل جامعه منجمله موقعیت زنان کارگر و کارمند پرداخت. وی تأکید کرد که مناسبات سنتی و مدرن در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند؛ بگونه‌ای که امورات بخشهای مدرنی که طی دهه‌های اخیر در ایران شکل گرفته بدون اتکاء به مناسبات سنتی به جلو نمی‌رود؛ و بر همین پایه نتیجه گرفت که چگونه سرنوشت زنان روستایی و شهری بهم گره خورده است و هر دو در اسارت یک ساختار واحد اقتصادی - اجتماعی هستند که با مکانیسم‌های متفاوت بر گروه‌های مختلف زنان شهر و روستا ستم روا می‌دارد.

او در پایان گفت که رهائی زنان از این اسارت فقط در گرو یک انقلاب اجتماعی است که از همان ابتدا مبارزه علیه ستم بر زن را در دستور خود گذارد و تحقق چنین خواسته‌ای را منوط به ایجاد جنبش انقلابی زنان دانست؛ جنبشی که مبارزه زنان برای رهائی را با چشم انداز مبارزه برای ایجاد جامعه‌ای عاری از هرگونه ستم و استثمار، پیش ببرد. (متن کامل این سخنرانی در این شماره پیکار زن درج شده است.)

سخنرانی نسترن موسوی

موضوع سخنرانی نسترن (از ایران)، «تأثیر موقعیت زنان ایرانی بر زنان افغانی» بود. سخنرانی او متکی بر گزارشات و تحقیقات شخصی اش نیز بود.

نسترن ما را به دنیای زنان پناهنده افغانستانی در ایران برد. از رنجها و مشکلات آنان سخن گفت و تأثیراتی که این مهاجرت بر زندگی، رفتار و خواسته‌های آنان گذاشته است. او صحبت از جمعیتی دست کم بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار زن افغانستانی ساکن ایران کرد. زنانی که بعلت غلبه ایده‌های شوونیستی در جامعه مورد تعرضند و در نشریات غایبند. او گفت دختران و پسران مهاجرین افغانستانی در ایران از امکان آموزشی حداقلی بهره‌مند هستند و اگرچه برای امکانات آموزشی به ایران نیامده‌اند، اما یکی از دلایل ماندگاری‌شان در ایران دسترسی به آموزش است. او از زبانی نقل می‌کرد که «دلشان برای یاد گرفتن می‌تپید. مدام اصرار داشتند که کاری کنید که زمینه آموزشی ما قطع نشود». نسترن می‌گفت در آغاز هزاره جدید «وقتی بیاد خودمان می‌افتم، به یاد به زن پناهنده‌ای که در دورترین روستاهای سیستان و بلوچستان سرفشاری آب ایستاده، یا سطل سطل آب از برکه به منزل گلین خودش می‌برد، واقعا نمی‌دانم چه چیزی همه را ما بهم وصل می‌کند. چه چیزی بجز یک پوشش مشترک برای تحقق همان آرزوی زنی که می‌گفت: از من که گذشته، می‌خواهم بچه‌ها هم معلومات داشته باشند، بی سرنوشت نباشند، ما که هیچی نفهمیدیم، مثل کور آمدم و مثل کور رفتیم». نسترن گفت اگر قرار است که هزاره نوین با هزاره گذشته تفاوت کند، باید کسانی باشند که دست بدست هم دهند تا راه را برای تغییرات هموار بکنند. کسانی که اعتقاد دارند خودشان می‌توانند سرنوشت خودشان را به یمن و اراده و عمل جمعی بسازند. وی سخنان خود را با ضرورت همبستگی زنان ایرانی و افغانستانی پایان برد. و گفت: کیلومترها مرز مشترک با کشور افغانستان و حضور گسترده ۲۰ ساله پناهندگان افغانی در ایران، همه گواه سرنوشت مشترک ماست. او در انتهای سخنرانی اش گفت: اگر زنان افغانستانی ساکن ایران در بدبختی‌ها و محرومیتها با ما شریکند، شایسته است که از دستاوردهایمان نیز بهره‌مند شوند.

بی تردید سخنان نسترن حاوی پیامی مهم بود: زنان ایرانی رها نخواهند شد مگر در اتحاد با زنان افغانستانی که بقول نسترن حاشیه‌ای ترین و در زمره ستم‌دیده ترین زنان ساکن ایران هستند. جنبش زنان بدون مرز کشی قاطع با تفکرات برتری جوئی فارس، بویژه در رابطه با افغانستانی‌های ساکن ایران، نمی‌تواند خود را از آلودگی‌های جامعه طبقاتی مردسالار رها سازد و نمی‌تواند مبارزه‌ای قاطع و ریشه‌ای علیه هر شکل از ستم و استثمار را به پیش برد.

سخنرانی شهین نوائی

شهین سخنرانی خود را با عنوان «بزرگداشت ۲۰ سال فمینیسم: سازمانهای زنان ایرانی در تبعید ۱۹۹۹ - ۱۹۷۹» ارائه داد. او در ابتدا قطعنامه تظاهرات هشت مارس ۵۷ را بعنوان یک سند تاریخی قرائت کرد و سپس تاریخچه مفیدی از شکل‌گیری تشکلات مختلف زنان در

خارج کشور طی این بیست سال ارائه نمود. او گفت موفق به جمع آوری نام ۹۸ گروه که در چهار قاره و ۱۶ کشور و ۳۶ شهر فعالیت داشته اند گشته است. او این بیست سال را به سه دوره ۸۲ - ۷۹، ۹۰ - ۸۲ و ۱۹۹۰ به بعد تقسیم کرد و در هر دوره به برخی دلایل عینی و ذهنی شکل گیری این تشکلات و فروپاشی بخشی از آنان پرداخت. او ضمن اشاراتی به تأثیرات احزاب سیاسی بر این تشکلات، بر مبارزات خطی که در میان خود زنان بر سر نقش و جایگاه تشکلات مستقل زنان موجود بوده انگشت گذاشت و مشکلات عدیده ای چون نقش منفی فعالین سیاسی منتسب به برخی احزاب؛ عدم درک واقعی از مسئولیت چنین تشکلاتی، برخورد های اخلاقی و بها ندادن به انتقادات و نظرات دیگران و را بر شمرده. او گفت تقریباً همه گروه های مستقل زنان آگاهانه از ایجاد تشکلهای هرمی اجتناب جستند و آلترناتیو آنها کار به شکل پلنوم بوده است، اما کار کند پیش می رود و گاه امکان توافق همگانی نیست.

شهرین در بررسی آن سالها بروی دو نظریه که مقابل هم بود، انگشت گذاشت. یک نظر طرفدار مبارزه طبقاتی بود و معتقد بود که: «سازمان مستقل زنان، به عنوان یک سازمان دمکراتیک تنها در پیوند با مبارزات دیگر جامعه است که می تواند ابعاد گسترده تری به خود بگیرد. این سازمان باید در جهت تحقق خواست های دمکراتیک زنان مخصوصاً زنان کارگر و زحمتکش که اکثریت زنان جامعه ما را تشکیل می دهند و از جهتی نیز تحت شدیدترین ستم مضاعف قرار دارند گام بردارد. جنبش مستقل و دمکراتیک زنان دارای دو خصلت دمکراتیک و مستقل است زیرا در برگیرنده نظرات گوناگون بوده و از خواست های دمکراتیک اقشار و طبقات اجتماع حرکت می کند و خصلتی مستقل دارد زیرا که ایدئولوژی واحدی در آن حکمفرما نیست و از جهتی نیز مستقل از سازمانها و گروه های دیگر است اما به این معنا نیست که مستقل از مبارزات جنبشهای دیگر باشد بلکه در پیوند و همسو و همگام با مبارزات دیگر جنبشها حرکت می کند.»

نظر دیگر که به فمینیست ها معروف بودند این بود که: «استقلال جنبش زنان به مفهوم داشتن تئوری سیاسی و برنامه ریزی از جانب خود جنبش است به معنی جنسیت زن و مبارزه علیه مناسبات مردسالاری در تمام اشکال و آنرا در مرکز مبارزه قرار دادن است. در مبارزات خلقی تحت ایدئولوژی هائی که جنبش مستقل زنان را رد می کنند و یا آنرا انحرافی می دانند مبارزات زنان نادیده انگاشته می شود و تلاشی در این راه نمی شود. به نظر ما مبارزه فمینیست ها در راستای مبارزه طبقاتی است و ایندو مبارزه از نظر تاریخی هم سو هستند اما ایندو مبارزه در عین حال دو پدیده متمایز از هم هستند نه تنها در تضاد با هم نبوده و یکدیگر را نفی نمیکنند بلکه تکمیل کننده یکدیگر هستند. هدف فمینیست ها مبارزه با مردسالاری و از جمله کسب حقوق دمکراتیک زنان است. آیا این کمک به آزادی انسانها نیست؟ مگر نقطه فعالیت مبارزه طبقاتی از بین بردن خودبیگانگی و رابطه ستمگرانه میان انسانها نیست؟ ولی همچنین باید دو جانبه باشد. تاریخ نشان داد که همیشه زنان به خاطر مبارزه طبقاتی تحت ستم به میدان مبارزه آمدند و همیشه این بقیه بودند که قدم به میدان مبارزه زنان گذاشتند.»

شهرین نواتی در خاتمه سخنرانی گفت مبارزه زنان ایرانی در خارج باید در مبارزه علیه جمهوری اسلامی، در رابطه ارگانیک با مبارزه فمینیست های پیشرو جهان قرار گیرد و سهمی در رابطه با جنبش ضد مردسالاری و ضد راسیستی و ضد ناسیونالیستی ادا کند. او در ضمن از همگان خواست تا به او در تهیه و تکمیل اطلاعات درباره تشکلات زنان یاری رسانند و فرم های چاپ شده او را پر کنند.

سخنرانی افسانه هژیری

سخنران بعدی افسانه هژیری از کانادا بود. سخنرانی او تحت عنوان «هویت پردازی و نقش زن ایرانی: زن ایرانی به روایت بعضی راویان دور از ایران» به نقد برخی نظرات عده ای از زنان آکادمیسین ایرانی در خارج کشور پرداخت.

وی در این سخنرانی اساساً به نقد گرایشی در بین برخی فمینیستهای دانشگاهی ایرانی در خارج از کشور پرداخت و این که تصویری مبالغه آمیز از موفقیت زنان مسلمان در ایران ارائه میدهند. افسانه گفت برخی از این فمینیستهای دانشگاهی معتقدند که جمهوری اسلامی «پاسخگویی» نیازهای زنان بوده و حتی به تفسیر کسانی مانند زیبا میرحسینی «زنان عادی از هر قشر و طبقه ای هر روزه با هوش و زیرکی و ابتکار عملی که از خود نشان میدهند سهم عادلانه خود را از محکمه ها می گیرند» و هیچ چیزی در این احکام و محکمه ها «در عمل» بقول ایشان زن ستیز نیست و در نتیجه نیازی به تغییر دادن ندارد.

او گفت چنین تصویر پردازی از زن ایرانی نه تنها با واقعیات روزانه زندگی اکثریت زنان ایرانی مغایرت دارد، بلکه بضرر آرمانهای آزادیخواهانه مبارزان زن در ایران و جهان است.

افسانه معتقد بود که ریشه این دیدگاه، واکنشی در مقابل یک دیدگاه نژادپرستانه غربی است که محور همه چیز را ارزش های غربی قرار می دهد، منجمله این که موقعیت زن غربی معیار سنجش موقعیت زنان در کل جهان است؛ و این که این دسته از فمینیست ها با تکیه بر نسبیت فرهنگی، تلاش در اثبات «پاسخگو» بودن اسلام به شرایط موجود و مبتکر بودن مردم در بکارگیری آن می کنند. مثلاً خانم شهلا حائری یکی از همین فمینیستها برای اثبات ادعای خود می گوید صیغه توسط پاسداران بکار گرفته میشود تا دختران باکره زندانی را «آلوده» کرده و آنها را راهی جهنم کنند و گاه باز صیغه توسط پاسداران بکار گرفته میشود تا زنان فاحشه را «تطهیر» کنند و آنها را راهی بهشت نمایند. بنظر خانم حائری این دو شکل متضاد کاربرد صیغه است که بنا به اقتضا بکار گرفته میشود و نشانه اینکه چگونه می توان مبتکرانه احکام اسلام را بنابه شرایط بکار برد.

افسانه در نقد این نظر گفت که این دو شکل بظاهر متضاد استفاده از صیغه یک وجه مشترک واضح دارند که عبارت است از نابرابری عظیم قدرت بین سلطه گر و تحت سلطه. و در این مورد چند مصرفی بودن عمل صیغه نه موضوع مهمی است و نه اثبات آن غرور آفرین!

افسانه تأکید کرد که آنچه در نشریات دانشگاهی یا در کنفرانسها بیان میشود به فضایی فراتر از محدوده دانشگاه سفر می کند و کاربردی و رای نظریه و تئوری دارد. امروزه نوشته های جامعه شناسان و مردم شناسان و دیگر محققین ایرانی بعنوان سند و منبع اطلاعاتی درباره چگونگی وضع زنان در ایران توسط فعالین حقوق بشر و قانونگذاران در سطح بین المللی بکار گرفته میشود و گاه همین نوشته ها اساس سیاست گذاری مثلث در مورد سیاستهای پناهندگی قرار می گیرد. افسانه با این تأکید لزوم و ضرورت افشا و نقد نظراتی چون نسبیت فرهنگی

را در دستور کار جنبش زنان قرار داد.

یکشنبه ۴ ژوئیه سخنرانی حامد شهیدیان

حامد شهیدیان سخنرانی خود را تحت عنوان «چشم اندازهای فرهنگی جنبش زنان ایران» ارائه داد. او ضمن ارائه تعریفی از مقوله ستمگری گفت که ستم جنسی در آن واحد چند شیوه مختلف ستم را بکار می‌گیرد. استثمار، به حاشیه راندن، قدرت زدائی، سلطه تحمیلی و اینکه مجموعه این روابط است که ساختار ستم جنسی را می‌سازد و تقلیل ستم جنسی به هریک از این مکانیزمها یعنی ناتوانی از درک کلیت پیچیده ستمگری. او در ادامه به نقد دیدگاههایی پرداخت که ستم جنسی را به یکی از این مقولات تقلیل می‌دهند.

حامد شهیدیان، جامعه مدنی اسلامی را مورد نقد قرار داد و گفت: «اسلام مدل ولایت فقیه‌ی یا غیر مدنی می‌گوید از بالا اسلامی می‌کنیم تا پائینی‌ها مجبور شوند مطابق موازین اسلامی رفتار کنند. اسلام نوع مدنی می‌گوید بالا اسلامی می‌ماند اما بروی خودمان نمی‌آوریم تا پائینی‌ها تصور کنند که به اختیار خود اسلامی رفتار می‌کنند.» و اینکه «جامعه اسلامی جامعه کهنه‌ای است و جامعه مدنی اسلامی در گوهر خود تضادی آشفتنی ناپذیر با دمکراسی دارد که با هیچگونه کش و قوس درجه آزادیهای فردی قابل ترمیم نیست.»

او در سخنرانش مرد سالاری را به دو حوزه خصوصی و عمومی تقسیم کرد: «مردسالاری خصوصی تقسیم جنسی کار، محیط خانوادگی خصوصی را مهمترین حوزه زندگی می‌داند. در مردسالاری عمومی زنان به حیطه‌های عمومی راه پیدا می‌کنند، هرچند در آن کنترل فردی مردان بر زنان هم چنان اعمال میشود. اما در مقایسه با گذشته کاهش می‌یابد و اندکی محدود میشود و در عوض کنترل اجتماعی بر زندگی زنان گسترش پیدا می‌کند.» از نظر او رفرمهای سرمایه دارانه دهه ۴۰ دوره شاه سرآغاز روندی بود که هدفش تغییر ساختار مردسالاری در ایران بود و برای قشری از زنان شرایطی را بوجود آورد که کنترل بیشتری بر زندگی‌شان را نوید می‌داد. جمهوری اسلامی تلاش کرد تا این مردسالاری خصوصی را احیاء کند؛ و بهمین دلیل ساختار مردسالاری در ایران شاهد کشمکش میان دو نیروی رقیب بوده است، بین جمهوری اسلامی و مردسالاری سنتی که در پی احیای مردسالاری خصوصی اند و مردسالاری مدرن که گرچه نمی‌خواهد ستم جنسی را از بین ببرد، اما نوع سنتی این ستم را عقب مانده و امل و افراطی و متضاد با مقتضیات زمانه می‌بیند. از نظر حامد، باید فمینیست‌های اسلامی بویژه فمینیست‌های اسلامی خارج از چارچوب دولتی را در این چارچوب ارزیابی کرد.

حامد شهیدیان ضمن مخالفت خود با واژه فمینیست‌های اسلامی عاقبت آنها را برای دستیابی به نتیجه‌گیری سیاسی مورد نظرش برسمیت شناخت. در چارچوب دسته‌بندی‌ای که وی ارائه داد، فمینیست‌های اسلامی، در صفوف مبارزه با مردسالاری در حیطه خصوصی حضور دارند. (از نظر حامد شهیدیان، جمهوری اسلامی این مردسالاری را نمایندگی می‌کند، اگرچه او می‌گفت که این بویژه در مورد آندسته فمینیست‌های اسلامی که خارج از حکومت هستند صدق می‌کند، اما با تعریفی که ارائه داد، صفوف جنبش زنان در ایران آنقدر گل و گشاد می‌شود که حتی برخی زنان حکومتی هم در آن جای خواهند داشت. در خاتمه حامد شهیدیان جنبش زنان را فرا خواند تا در چارچوب فرهنگی نوین برای باز آفرینی نقشهای نوین جنسیتی تلاش کنند.

سخنرانی ویدا حاجبی

سخنرانی ویدا به «جایگاه جنبش زنان در نگاه سازمانهای چپ - تجربه‌های زندان زنان سیاسی» اختصاص داشت. وی سخنان خود را با اشاره به محروم بودن زنان از اولیة ترین حقوق در جامعه استبداد زده ایران و با طرح این ستوال که مبارزه حق طلبانه و آزادی خواهانه زنان چه جایگاهی دارد، آغاز کرد. پرسشی گرهی که به نظر او از جنبش مشروطه تاکنون مطرح بوده و پاسخی گوناگون گرفته است. او به بررسی پاسخ چپ - بویژه اندیشه مسلط بر چپ - پس از انقلاب سفید پرداخت.

او ضمن ارج گذاشتن به فضای باز سیاسی دوران مصدق که شاهد شرکت گسترده زنان در صحنه سیاسی و فرهنگی بود و فضای تنفسی سالهای ۴۲ - ۴۹، گفت پس از آن دوره‌ها، روندهای سیاسی - اجتماعی به مسیر دیگر افتادند.

او به نحوه شکل گیری گروههای چریکی مخفی پرداخت که چگونه توانستند با جانفشانی و قهرمان پروری بسرعت در میان جوانان تحصیلکرده و اقدار میانی محبوبیت کسب کنند و اینکه چون راه حرکت اجتماعی مستقل بسته شده بود، جنبش چریکی نظر بسیاری از زنان جوان را به خود جلب نمود و در نتیجه شرکت زنان در این جنبش بسیاری قید و بندهای سنتی و فرهنگی و زنجیرهای خانوادگی گسسته شدند.

ویدا گفت که چگونه در پاسخ به فعالیت زنان، رژیم شاه بند زندانیان سیاسی زن را نهادینه کرد، تعداد زندانیان سیاسی زن از سه نفر در سال ۵۰ به ۲۹۰ نفر در سال ۵۷ رسید و زنان در حوزه سیاسی و قلمرو زندان، شکنجه، زندان ابد و رفتن به پای جوخه اعدام به حق برابر با مردان دست یافتند. او گفت که رشادت و جانبازی حدود ۴۰ زن در زد و خوردهای خیابانی دهان به دهان گشت و در سراسر جامعه طنین انداخت و زندانی سیاسی زن به سمبل آزادی و رشادت تبدیل شد و شعار «آزادی زندانی سیاسی» که هیچ تبعیض جنسی در آن وجود نداشت در آستانه انقلاب فراگیر شد.

ویدا در سخنرانی اش بر نکته عمیقی انگشت گذاشت و گفت در آن سالها در میان گروهها و سازمانهای چپ، خواه موافق مشی مسلحانه، خواه مخالف، این پرسش برای کمتر کسی مطرح می‌شد که این روسری خاصی (حجاب) که مجاهدین و طرفداران علی شریعتی بر سر دارند چه مفهوم سیاسی و چه بار ایدئولوژیکی دربر دارد؟

وی ضمن انتقاد به دیکتاتوری شاه و تقویت آن پس از انقلاب سفید گفت که بنظر او با چیره شدن مناسبات سرمایه داری پرخشی مهمی در وضعیت حقوقی و جایگاه اجتماعی زنان پدید آمد - مانند حق رای و حق قضاوت و قانون حمایت خانواده - و چپ‌ها به آن توجه نکردند

و نیروهای سیاسی بویژه نیروهای مترقی و چپ در مقابل شورش نیروهای واپسگرائی چون خمینی در ۱۵ خرداد ۴۲ موضع گیری روشنی به جامعه ارائه ندادند و حتی با آن اعلام همبستگی کردند.

او گفت در آن زمان ما چپ ها تفاوت و مرز خودمان را با گرایشهای ارتجاعی زن ستیز و آزادی ستیز مذهبی که روز به روز در مبارزه علیه مدرنیته شاه گسترده تر و پر قدرت تر می شدند مشخص نمی کردیم. تمامی دستاوردهای جوامع سرمایه داری پیشرفته را نقد می کردیم و جنبش فمینیستی و دستاوردهای آنرا فقط و فقط به مسئله آزادی استثمار نیروی کار زنان توسط سرمایه داری کاهش می دادیم. ویدا در خاتمه، شرط اول رهایی زنان را جدایی دین از حکومت دانست.

در مورد برخی نکات بحث ویدا حاجبی باید گفت، بی شک هر کمبود و برخورد غلطی نسبت به مسئله زن - از جانب هر جریان اجتماعی که باشد - شایسته نقد است. ویدا حاجبی بروی برخی واقعیات ملموس و جوانبی از کمبود های واقعی جنبش چپ در ایران در این زمینه انگشت گذاشت که هر زن فعال سیاسی آنرا تجربه کرده است. اما نه نقد او از چپ نقدی همه جانبه بود و نه نتیجه گیرهایش. به چند دلیل: یکم، علیرغم انتقادات معینی که به چپ در مورد چگونگی برخوردش به مسئله زنان وارد است اما نباید فراموش کرد که در تاریخ معاصر ایران ایده برابری میان مرد و زن و مسئله رهایی زنان اساسا توسط انقلابیون چپ معرفی شد و تلاشهای نظری و عملی بسیاری در این زمینه صورت گرفت. این واقعیتی انکارناپذیر است که عموما کمونیستها محرک جنبش زنان در ایران بودند و نقش مهمی در بیداری سیاسی زنان ایفاء کردند. اولین تشکلات زنان به یاری کمونیستها ساخته شد، اولین هشت مارس - روز جهانی زن - به همت کمونیستها برگزار شد و دوم آنکه، بر خلاف آنچه که رایج است چپ پدیده ای یک دست و همگون نبوده و نیست. سایه روشنهای نظری و عملی که در میان طیفهای گوناگون چپ وجود داشته در بسیاری مواقع بیان یک تفاوت کیفی آشکار بوده است. قلعاً پراتیک چپهای دروغینی چون حزب توده که مدافع سفت و سخت ارزشهای زن ستیز حاکم بوده و یا پراتیک چپی که آموزه اش این بود که «حضور زن در واحد چریکی موجب آرامش در گروه می گردد» با پراتیک چپهایی که آموزه شان این بود که تا زمانی که یک زن در جهان تحت ستم باشد هیچکس بواقع آزاد نیست، متفاوت است. هر چند که چپ های انقلابی نیز نیاز داشته و دارند تا جنبه های غلط پراتیک شان را مورد نقد قرار دهند و به یادگیری از جنبشهای اجتماعی نوین بپردازند. گسست از ایده های کهنه حاکم، بویژه در مورد زنان خود یک شاخص مهم برای انقلابی ماندن یا انقلابی تر شدن یک جریان چپ است. خلاف جریان نرفتن و دنباله روی از عقاید غلط رایج در هر زمینه ای منجر به تضعیف نقش آگاهی انقلابی و تقویت جهل و سنت می شود.

سوم، و مهمتر، آنکه باید توجه کرد که هر نقدی در چارچوبه و برای تقویت یا تضعیف چه چشم انداز و افقی صورت می گیرد. همانطور که ویدا حاجبی گفت امروزه زنان ایران بیش از هر قشر دیگری در جدائی دین از دولت منفعت دارند. ولی مسئله این است که این خواست در خدمت به چه چشم اندازی باید قرار داشته باشد. اگر مبارزه برای این خواست با چشم انداز گسترده تر و انقلابی تر - یعنی رهایی زنان از هر گونه ستم و استثمار - پیوند نخورد، نه جدائی دین از دولت بخوبی و بطریقی رادیکال می تواند صورت گیرد و نه اینکه خود این مسئله می تواند در خدمت رهایی واقعی زنان قرار گیرد.

بر خلاف آنچه که ویدا بیان می کند مشکل «چپ» در این نبود که به مدرنیسم شاه توجه نکرد و یا تضاد بین مدرنیسم و سنتگرایی را خوب نفهمید، بلکه مشکل اصلی این بود که درک روشنی از این نداشت که چگونه دو بخش مدرن و سنتی در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر قرار داشتند و به یک ساختار واحد خدمت می کردند. نه رفم های شاه زنان را به رهایی نزدیک میکرد و نه مخالفتهای خمینی با آن رفم ها. سؤال اینجاست که آیا جنبش زنان ما پس از کسب تجارب گوناگونی که طی چند دهه اخیر کسب نمود باید دوباره به تکرار شعارهایی چون «اصلاحات آری! دیکتاتوری نه!» بپردازد؛ افسوس فضای باز سیاسی دوران مصدق یا سالهای ۴۲ - ۲۹ را بخورد؛ از دستاوردهای سرمایه داری بخاطر جایگزین کردن اشکال مدرنتر ستم بجای اشکال قدیمتر آن تمجید کند یا اینکه برای چشم انداز کیفیتا متفاوتی مبارزه کند؟

سخنرانی توران عازم

توران سخنرانی خود را تحت عنوان «زن و مذهب» ارائه داد و به منشاء پیدایش مذهب و نظریه هایی که پیدایش مذهب را تبیین می کنند پرداخت. سپس به دلایل دوام و بقای مذهب پرداخت. وی گفت اگر انسان اولیه برای گریز از تنگنای مناسبات طبیعی خدا می ساخت و خرافه می بافت و به مذهب متوسل می شد، انسان امروز برای فرار از مناسبات بی رحم و خشن سرمایه دارانه و مردسالارانه است که به آفرینش خدا دست می زند و به خرافه مذهبی متوسل میشود.

توران ضمن برشمردن علل دیگر دوام مذهب، بر ضرورت مبارزه با مذهب بعنوان مجموعه ای از باورها و اعتقادات خرافی و هم چنین بعنوان نهادی عریض و طویل در طول حیات مردسالاری که بر نابرابری، بی حقوقی و اخلاقیات زن ستیز صحنه گذاشته، تاکید کرد. او ضمن بررسی علل سکوت و انفعال در برابر مذهب از جانب فعالین تشکلات زنان، به استدلالاتی که برخی گرایشات راست جنبش زنان می آورند پرداخت.

توران درکی موشکافانه از موضوع «مذهب امر خصوصی افراد است» را به بحث گذاشت. او معتقد بود که خصوصی بودن مذهب بمعنی نفی مبارزه با آن نیست. چرا که مذهب چه در شکل اجتماعی و چه فردی مبین ایده ها و رفتارهای ضد زن می باشد و نمی توان بصرف اینکه مذهب امر خصوصی افراد است با تبارز شنیع مذهب در افراد، مقابله نکرد.

توران هم چنین به نقد دیدگاه دیگری که مذهب را صرفا روینای اخلاقی یک مناسبات تولیدی می بیند، پرداخت. او در نقد این تفکر گفت که مذهب با طبقات و مالکیت خصوصی بوجود نیامد که با محور آن از بین برود.

در اینجا باید گفت که مسلما مذهب بمثابه جزئی از روینا خود بخود از میان نمی رود. روینا نقش منفعل در رابطه با زیرینا ندارد و

بالعکس نقش فعالی در تداوم روابط ستمگرانه دارد و باید در پروسه دستیابی به مناسبات نوین دائما مورد مبارزه و نقد قرار گیرد. اما بلحاظ تاریخی با از میان رفتن طبقات و طبعا سلطه طبقاتی، پایه عینی برای تولید و بازتولید مذهب وجود نخواهد داشت. واکنش های مختلفی که در سالن نسبت به سخنرانی توران بروز کرد، نشانه حساس و جدی بودن موضوع مذهب بمثابه یک مسئله عملی مقابل پای جنبش زنان است. مذهب و برخورد به آن در شرایط ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی محکی برای ارزیابی گرایشات مختلف جنبش زنان و درجه مرزبندی آن با جمهوری اسلامی و ایده ها و عقاید مردسالارانه مسلط است. (متن کامل سخنرانی در همین شماره پیکار زن صرح شده است).

سخنرانی اعظم کم گویان

موضوع سخنرانی اعظم «جنبش زنان در ایران، چشم اندازها و مطالبات» بود.

وی در ابتدای سخنرانی، به انتخاب عدد ۲۰۰۰ انتقاد کرد و گفت با بار مذهبی اش مخالف است. سپس اشاراتی به رشد جنبش زنان در ایران پس از انقلاب ۵۷ نمود و گفت زنان ایرانی مذهبی نیستند، مگر اینکه مبنا را نقاط دور افتاده یا روستائی قرار دهیم. او گفت، مذهبی بودن، شاید مشکل زنان افغانی در قلب اروپا یا زنان کرد سوریه و عراق باشد اما زنان ایرانی چنین خصوصیتی را ندارند چون در ایران هیچ مبارزه حق طلبانه ای نمی تواند رنگ ضد مذهبی به خود نگیرد.

او سپس به گرایشات سیاسی مختلف درون جنبش زنان پرداخت و گفت ما قبلا شاهد تلاشهای اصلاحگرانه زنان مسلمان بوده ایم که در مقابل قشری گری حکومت از آن بیرون آمدند و فعالیتهای مستقل از دولت انجام دادند. او در این زمینه به نشریه زنان اشاره کرد که تا شماره ۱۵ سعی می کرد تفاسیر دیگری از آیات قرآن در رابطه با زنان ارائه دهد و بتدریج صفحات نشریه بروی تجربیات زنان باز می شود و مطالبی از زنان سکولار و لائیک در آن درج می شود. او گفت این فعالیتهای را نباید به حساب زنان اصلاح گر مسلمان گذاشت؛ و اینکه بنظر او این امر فقط فشار جنبش زنان را نشان می دهد و چون یک عده تریبون ندارند در این پارچوب حرف می زنند. او گفت، خواست آزادی در جامعه زیاد است و این آزادیخواهان هستند که تریبون ندارند و به ترتیبی فشار می آورند والا این فضیلت امثال آقای شمس الواعظین سردبیر روزنامه هائی چون نشاط نیست.

اعظم کم گویان، از بخشی از چپ تحت عنوان شرق زده انتقاد کرد و گفت آنها به غیر از بندهای کلی در مورد دستمزد برابر چیز زیادی در رابطه با حقوق زنان نمی گویند و هیچ چیزی در مورد آزادی های جنسی زنان نمی گویند و فحشاء را ممنوع می کنند. اعظم گفت، ممنوع کردن فحشاء همان حرفی است که آخوندها می زنند و در شرایطی که تین ایجرها در ایران از همان ۱۲، ۱۳ سالگی رابطه جنسی را شروع می کنند، هر جریان جدی باید به اینها جواب بدهد. سپس به افشای سلطنت طلبان پرداخت و این که در دوره شاه قوانین ضد زن تصویب شد و در فرهنگ ناسیونالیستی آنها وظیفه زن دفاع از شرف و ناموس، زائیدن و خانه داری و خدمت به مرد است.

مضمون سخنرانی اعظم، ساده انگارانه و متناقض بود. او از یکسو با طرح اینکه زنان ایران مذهبی نیستند خیال خود را راحت می کند، و از سوی دیگر تحت عنوان اینکه نشریاتی چون «نشاط» و «زنان» تحت فشار جو عمومی جامعه به تریبون آزادیخواهان تبدیل شده واقعیات پیچیده را ساده می کند و نقش وعده ها و رفرم های ارتجاعی، ترفندها و مانورهای فریبکارانه بخشی از حکام اسلامی برای مهار و کنترل و کانالیزه کردن ناراضیاتی عمومی را درست تحلیل نمی کند. اینکه برخی افراد مترقی بعضی مواقع می توانند از این امکانات استفاده های معین بکنند تأثیری بر نقش، جایگاه و عملکرد سیاسی این گونه ارگانها ندارد. در این زمینه می توان به سرمقاله نشریه زنان شماره ۵۴ در مورد جنبش دانشجویی اخیر اشاره نمود که آب پاکی بر روی اینگونه تحلیلهای ساده انگارانه ریخته است. گردانندگان این نشریه خطاب به طبقه حاکمه ضمن هشدار در مورد اختلافات جناحی می گویند: «باید مراقب دهنه مرکب بود که از دست در نرود. چیزی ترک خورده است باید مراقب بود که این ترک به شکست سنگینی منجر نشود».

اعظم کم گویان، بگونه ای تحقیر آمیز در مورد زنان زحمتکش و زنان متعلق به ملل ستمدیده افغانستانی و کرد (سوریه و عراق) صحبت کرد و گفت مذهب ممکن است مشکل آنها باشد، و نه مشکل زنان ایرانی. اعظم با این مسئله که موقعیت زنان روستائی و مناطق دور افتاده باید یکی از مباحث بررسی موقعیت زنان باشد، مخالفت کرد و عملا مسئله زنان را به زنان ساکن شهرهای بزرگ و اقشار تحصیلکرده آن تقلیل داد. در حالی که یکی از مباحث اصلی جنبش زنان همین انتخاب میناست. آیا باید بدنال مینائی بود که اکثریت زنان ستمدیده را دربر گیرد و متحد کند، یا مبنائی که فقط قشری از زنان - آنهم قشر محدودی از زنان شهری - را در بر میگیرد.

او در مورد فحشاء طوری بحث کرد که انگار آخوندها مخالف فحشاء بوده و هستند. حال آنکه آخوندها مبلغ و سازمانده فحشاء اسلامی به طریق رسمی و غیررسمی بوده و هستند. از قدیم و الیام آخوندها با جاری کردن صیغه، مبلغ فحشای شرعی بودند. اعظم بگونه ای موضوع فحشاء را طرح کرد که انگار زنان تن فروش از اینکار بعنوان شغل خودشان راضی اند و بقیه زنان باید مبارزه کنند تا این شغل برسیمت شناخته شود نه اینکه باید چشم انداز جامعه ای را پیشرویی خود قرار دهند که از این شغل دیگر اثری نباشد.

سخنرانی فرشته نام آور

فرشته سخنرانی خود را تحت عنوان «داستان خاله سوسکه، کتمان خشونت در فرهنگ ایرانی» ایراد کرد. او ابتدا توضیح داد که از دیرباز افسانه شناسی و پژوهش در زمینه داستانهای عامیانه ایرانی بعنوان یک روش علمی برای شناخت و درک فرهنگ توده ای از سوی سیاحان، مردم شناسان و جامعه شناسان غربی مورد استفاده قرار گرفته است. فرشته خود نیز با استفاده از این روش بسوی بررسی قصه «خاله سوسکه» قصه ای که تقریبا هر مرد و زنی در دوران کودکی خود آن را بارها شنیده است رفت. فرشته با زبانی شیوا حکایت خاله سوسکه را کالبد شکافی کرد. خاله سوسکه کودکی همه ما، علیه پدرسالاری طغیان کرده و رنج سفر را بر خود هموار می کند و به جستجوی همسری

می رود تا زیر بار منت کسی نرود. اما جالب اینجاست که یکی از سوالات مهم خاله سوسکه برای انتخاب همسر بر سر چگونگی کتک خوردنش است و در نهایت آقا موشه را به همسری بر می گزیند چرا که حداقل کتک خوردن با دم نرم آقا موشه موجب مرگ او نمی شود. نقد فرشته بطور تکان دهنده ای شنونده را به این نتیجه می رساند که کتک خوردن، بخشی از جریان رایج زندگی زنان است. فرشته با کالبد شکافی عمیق این داستان به این نتیجه می رسد و توجه را به این واقعیت جلب می کند که علیرغم اینکه خشونت در روابط بین زن و مرد کتمان میشود اما موضوعی نهادی شده و عادی است. آنقدر طبیعی مثل سایر اشکال ستم بر زنان که بنظر می آید جزء نظم ابدی و ازلی است.

* * *

سخنران بعدی ماریا رشیدی از سوئد بود. ماریا بعلت عمل چشم موفق به شرکت در کنفرانس نشد. چندی پیش همسرش بصورت او اسید پاشید و این موجب از دست رفتن بینائی اش شد. عنوان سخنرانی او «بهای آزادی» بود. بهائی سنگین که ماریا برای آزادی خود پرداخت.

این ابتکار بسیار خوب کمیته برگزارکننده بود که از زنانی دعوت بعمل آورد تا مستقیماً به حکایت رنجهای خود بپردازند و آنرا به گوش همگان برسانند. اما افسوس که ماریا نتوانست در کنفرانس شرکت کند.

* * *

دوشنبه ۵ ژوئیه

آخرین روز کنفرانس، به موضوع شبکه سراسری زنان اختصاص داده شد. این برنامه توسط پرستو درخشنده سازماندهی شد. ابتدا موضوعات مورد بحث دسته بندی شد. مثلاً یک تم این بود که زنان برای مبارزه با مردسالاری حول چه چیزی می توانند کار مشترک انجام دهند. یا شکل تشکیلاتی این سازمان سراسری چگونه باشد. برای هر کدام از موضوعات که به ۷ دسته تقسیم شد یک گروه کاری بوجود آمد یعنی ۷ موضوع به دیوار چسبانده شد و هرکس داوطلب شد که در یکی از گروههای کاری شرکت کند. در گروههای مختلف کاری بر سر موضوعات بحث میشد و اگر به توافق می رسیدند نظر جمع نوشته میشد یا اینکه چند نظر نوشته می شد. در پایان نظرات هفت گروه کاری جمعی آوری شد. و مورد بحث در سالن قرار گرفت.

لازم است بگوئیم که طرح این موضوع به این معنی نبود که این جلسه می تواند به نتایجی برسد. اما نکته مهم آن بود که زنان را بفکر اتحاد سراسری تشکلات زنان و اندیشیدن در مورد ضرورت چنین سازمانی و تلاش برای دستیابی به طرحهای عملی واداشت. گرچه در هنگام جمعبندی، بحث اساساً روی این مساله متمرکز نشد و مسائل فرعی دیگری بمیان کشانده شد.

بعد از ظهر روز دوشنبه به جلسه ارزیابی از کنفرانس اختصاص یافت. برخی از شرکت کنندگان دوباره به سخنرانان انتقاد کردند و نظراتشان را در مورد سخنرانی ها در قسمت جمعبندی تکرار کردند. به مسئله هنری کنفرانس انتقاد شد بویژه برنامه خانم آغداشلو و اینکه چنین برنامه های هنری شایسته کنفرانسی که در خدمت پژوهشهای زنانه باشد، نیست. بسیاری از شرکت کنندگان از کمیته برگزار کننده قدردانی کرده و بویژه برنامه «بانوی برگزیده» این سال را بهترین کار این کمیته دانستند. مثل سالهای گذشته به وقت کمی که به شرکت کنندگان برای ابراز نظراتشان پس از هر سخنرانی داده می شد انتقاد شد و پیشنهاد این بود که تعداد سخنرانان کمتر باشند و بجای آن وقت بیشتری به بحث و گفتگو برای شرکت کنندگان داده شود. بیشترین بحث به موضوع انتخاب تم سال آینده اختصاص یافت و پس از نظرخواهی از میان موضوعات متعدد تم بیست سال مبارزات و پژوهشهای زنان ایران بعنوان موضوع سال آینده کنفرانس بنیاد که در برکلی آمریکا برگزار می شود، انتخاب شد.

جمعبندی از این کنفرانس

کنفرانس امسال بنیاد را در چند زمینه می توان بررسی کرد. حال و هوای این کنفرانس را چند موضوع مهم رقم زد که بی شک نقش کمیته برگزارکننده و مسئولین بنیاد در ایجاد این حال و هوا بی تاثیر نبوده است. ویژگی عمده این کنفرانس این بود که تریبون گرایشات سیاسی متنوع تری از جنبش زنان ایران بود. این مسئله در انتخاب سخنرانان از طیفهای مختلف و بویژه مراسم «بانوی برگزیده» خود را بیان می کرد. مسئله انتخاب «بانوی برگزیده» امسال صرفاً یک فرم جدید نبود بلکه مرزبندی روشن با مرتجعین زن ستیز جمهوری اسلامی بود.

یکی دیگر از نقاط قوت این کنفرانس انتخاب میزگرد زنان کرد و موضوع زنان افغانستانی ساکن در ایران بود. طرح مسئله زنان کرد و افغانستانی، در خدمت مرزبندی با ایده های تفرقه افکنانه و برتری جویانه فارس قرار داشت - ایدههایی که جمهوری اسلامی بطرق مختلف در اشاعه آن کوشیده است. حضور زنان کرد در این کنفرانس از اهمیت زیادی برخوردار بود. تجارب مبارزاتی فراوانی که این زنان بویژه در دوره جمهوری اسلامی انباشته اند، می تواند به ارتقاء کل جنبش زنان در ایران یاری رساند. بعلاوه طرح مسئله زنان کرد و افغانستانی، بطور مستقیم خواستههای ستمدیده ترین و زحمتکش ترین زنان را به میان کشید و از این نظر، به تقویت جهت گیری صحیح در کنفرانس یاری

رساند.

بنیاد پژوهشها امسال با گزینش سخنرانان مختلف سعی کرد تعادلی بین حضور فعالین عملی جنبش زنان و پژوهشگران دانشگاهی بوجود بیاورد و این خود به شکل موفقیتی بر بار مباحث کنفرانس افزود. بعلاوه، بار مباحث طرح شده در کنفرانس را صرفا نباید بر پایه استقبال حضار سنجید. چرا که دامنه و میدان تاثیر این مباحث بسیار فراتر از سالن کنفرانس بنیاد می باشد. باید منتظر تاثیرات و عکس العمل دیگران هم بود تا بتوان قضاوت همه جانبه تری ارائه داد.

و اما حال و هوای شرکت کنندگان. قبل از هر چیز باید گفت که در این قبیل کنفرانسها معمولا برخی از زنان قادرند بروند پشت میکروفن و نظرشان را بگویند و اکثریتی، اینکار برایشان مشکل است و عدم شرکتشان در پرسش و پاسخ به معنی این نیست که آنان نظری ندارند. معمولا کسانی که زمان پرسش و نظردهی پشت میکروفن می روند افراد ثابتی هستند (البته برخی مردان نیز عضو ثابت نظر دهی و پرسش نیز هستند). این امر به معنی این نیست که لزوما این تعداد منعکس کننده نظرات کل شرکت کنندگان هستند.

با این اوصاف و با توجه به تلاش برای دریافت نظرات دیگران می توان به این جمع بندی رسید که اکثر سوالات و بحثها حول افق جنبش زنان، برنامه و مطالباتی که باید روی آنها انگشت گذاشت و روش دستیابی بدانها دور می زد. هنوز نقد «چپ» از بازار گرمی و رونق برخوردار بود. این در ابراز احساساتی که نسبت به اینگونه سخنرانیها صورت گرفت، قابل مشاهده بود. البته این حساسیت دو جنبه متضاد را در خود منعکس می کرد. از یک طرف نشان دهنده سطح بالای انتظار توده های زن از «چپ» بود. آنان از نیرویی که مدعی محو هرگونه ستمگری است انتظار دارند که نباید مدافع هیچ شکی از ستم در عرصه مناسبات درونی و مناسبات وسیعتر اجتماعی باشند و باید به نقد مدام خود در این زمینه بیشتر توجه نماید.

از طرف دیگر، پست مدیریست ها، طرفداران نسبیت فرهنگی و نیروهای راستگرا نیز با تئوری هایشان چپ را مورد انتقاد و حمله قرار می دادند. تئوری هایی که با توجه به تعرض سرمایه داری جهانی به چپ هنوز از نفس نیفتاده اند.

محتوای مباحث

اکثر سخنرانان خود را چپ یا علاقمند به چپ معرفی کردند. با این وجود هر کدام بیانگر گرایشهای سیاسی مختلف درون جنبش زنان بودند. این امر را می توان با توجه به تاکیداتی که هر سخنران روی موضوعات یا خواستههای مشخص زنان می گذاشت و با توجه به افقهای متفاوتی که برای جنبش زنان جلو می گذاشتند و برنامه و مطالبات مختلف و روشهای مبارزاتی گوناگونی که طرح می کردند، مشاهده کرد. علیرغم وجوه اشتراک در زمینه هائی، اختلافات اساسی نیز موجود بود. کماکان موضوع اصلی جدل درون جنبش زنان حول این ستوال است که کدام افق و دورنا و تحلیل و برنامه بطرز صحیحی واقعیات عینی ستم بر زنان را در جامعه منعکس می کند، و کدام راه حل منطبق بر این واقعیات عینی بوده و قادر به بسیج و رها کردن انرژی اکثریت زنان برای تغییر وضع موجود است.

در این کنفرانس گرایشهای مختلف درون جنبش زنان و دورنماهای متفاوتی طرح شدند. برخی ها برنامه و هدف خود را ایجاد جامعه مدنی قرار داده ، برخی دیگر جدائی دین از دولت را خواست اصلی زنان طرح کردند، برخی ها برقراری دولتی مدرن و سکولار را آرزو می کردند. در مقابل گرایشهای دیگری نیز بودند که هدف خود را محو هرگونه ستم و نابرابری در جامعه و میان زن و مرد در کلیه عرصه های اجتماعی و اقتصادی قرار داده بودند.

در زمینه طرح خواستهها و مطالبات نیز گرایشهای مختلف دیده می شد و اقشار متفاوتی را مبنا قرار می دادند. برخی مسئله زنان و جنبش زنان را فراتر از مسائل زنان اقشار میانی شهری نمی دیدند و عمدتا مطالبات و خواسته های این قشر زنان را مد نظر قرار می دادند و برخی دیگر بر خواسته و منافع اکثریت زنان تاکید می ورزیدند، و ستم بر زنان را فقط به زنان اقشار میانی شهری تقلیل نمی دادند و کلیه اشکال ستم بر زنان زحمتکش شهر و روستا، زنان ملل تحت ستم و زنان مهاجر افغانستانی را طرح می کردند.

علاوه بر اینها در میان بسیاری از زنان شرکت کننده در این کنفرانس این ستوال نیز طرح بود که برای مبارزه علیه مردسالاری چه باید بکنیم آیا باید صبر کنیم تا انقلاب شود بعد به مسئله زنان بپردازیم یا از هم اکنون باید دست بکارهایی بزنیم. اینکه «از کجا باید آغاز کنیم؟» ستوال عاجلی بود که همه بدنبال پاسخی برای آن بودند، در این زمینه نیز گرایشهای مختلفی می دادند: برخی ها چاره را در ایجاد تشکلات قانونی و علنی زنان می دیدند، برخی ایجاد تشکلات مستقل را، پاره ای انجام کارهای فرهنگی و یا صنفی و مشاوره ای را چاره کار می دانستند، و تعدادی نیز بر ضرورت ایجاد تشکلات انقلابی و سراسری زنان تاکید می کردند. این ستوالی است که کماکان از جانب جنبش زنان باید پاسخ روشن و صحیحی بگیرد تا راه برای تحقق امید و آرزو توده های زن برای رهائی، گشوده شود.

* * *

کنفرانس در شرایطی پایان یافت که چند روز بعد مبارزات دانشجویی در ایران آغاز شد و حال و هوائی تازه به جامعه دمید. مبارزه ای که نقش مهمی در زدودن توهمات نسبت به وعده وعیدهای خاتمی داشت. مردم دیدند و تجربه کردند که دعوایهایی که بر سر تسامح و تساهل در میان حکومتگران براه افتاده بود هیچ ربطی به منافع آنان ندارد و حاکمان هر زمانی که منافع نظامشان به خطر بیفتد در سرکوب مردم متحد هستند.

دختران دانشجو و زنان نه تنها در این مبارزه نقش فعالی داشتند بلکه صحنه های شورانگیزی در رد ارزشهای مردسالارانه موجود در این جنبش نیز آفریدند. آنان در هنگامه نبرد با ایده ها و کسانی که زنان را موجود تحت الحمایه تصویر کرده و می خواستند آنان را از صحنه های اصلی جنگ وگریزهای خیابانی دور کنند به مقابله برخاستند و نشان دادند که ستمدیده ترین می تواند پیشروترین هم باشد. این هوای تازه را جنبش زنان ایرانی باید به جان دل استشمام کند و صفوف خود را هر چه روشنتر و سازش ناپذیرتر آرایش دهد تا نقش موثرتر و

تعیین کننده تری در مبارزات انقلابی جاری ایفاء کند.